

دانشگاه است زندگی است

بسمه تعالی

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ؛

هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهنده در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

قشر دانشجو قشر هدفمندی است که در بستر موج دانشگاه علم فرامیگیرد و بعد از فراغت وارد جامعه میشود.

جامعه ای که بعد از بستر خلاق دانشگاه، بعنوان جایگاهی برای عملی ساختن داشته ها و اندوخته های کسانی که در محیط آکادمیک دانشگاه تحصیل کرده اند شناخته میشود. دانشجویان که با سلاح قدرتمند مسلح گردیده اند در برابر نارساییهای جامعه مقابله و آنرا استعمال مینمایند، لباس فرسوده و کهنه جهل را از تن جامعه بیرون و با زیور تکنولوژی آراسته می سازند. همانهایی که زمان را بکنج خود تغییر میدهند. این توانائی ها را زمانی دروچود دانشجوی می یابیم که وی با علم حقیقی خود را مسلح کرده و باتوانائی کامل وارد میدان کارزار شود.

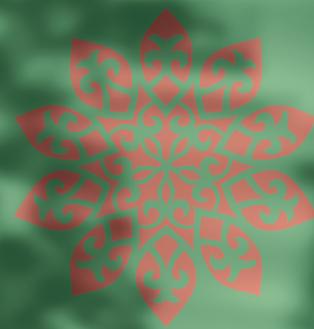
به این دلایل است که «دانشجو»، مظهر شادابی فکری و توان شگرف در فعالیت آزادانه و نقادانه در اجتماع است و از این رو، دانشجو «عنصری گران بها» است که به لحاظ مامیت آکادمی طلبی، ایده آل گرایی و انتقاد گری-اش، برخی محافظه کارانه او را به درس خواندن صرف و پرهیز از فضاهای آلوده ی بیرون توصیه می کنند. برخی معضت طلبانه در پی جذب او برای بهره گیری از دوران طلایی اش هستند و عده ای دیگر بدخواهانه، او را نادیده می گیرند تا مزاحم تشکیلات «خودی» شان نشود.

در این میان، دانشجو با توجه به شرایط محیطی و توان و تمایلات درونی خود تصمیم می گیرد که این سال های طلایی و کوتاه را چگونه بگذراند. اما شک نیست که شالوده ی پخش عمده ی آکامی ها و غالب دیدگاه های اجتماعی اش در این دوران زودگذر ریخته می شود.

به امید روزی که آرزو و رویای دیرینه جامعه مردم ما به حقیقت تبدیل شود.

ژمرا حسین پور

دبیر کل مجمع اسلامی دانشجویان



”بسم الله الرحمن الرحيم“

سخنی با دانشجویان جدیدالورود:

قَالَ إِنَّهَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتَعَىٰ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَكَبَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ حِقَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا كَذِبٌ لَكُمْ يَبْنَؤُ يَكْفِي عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿46﴾

بگو من فقط به شما يك اندرز می دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس ببینیدشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده ای پیش نیست

یکسال گذشت و در این یکسال بر آن بودیم تا اگر قلمی زدیم، گامی برداشتیم، صحبتی کردیم و یا موضعی گرفتیم، حق باشد، حقه در تعریف ما فراتر از میان این و آن بودن و فراتر از آنچه هر گروهی چه در مقام موافق و چه در کسوت مخالف، خود را بر آن میداند است، که حق آرمائی بلند و مبارزه ای بی انتیهاست که از روزی که خدا انسان را بر سرشت خود آفرید پار امامت را با این کلام پر دوش او گذاشت. و ما در این یکسال تلاش کردیم تشکیلی باشیم که به تعبیر شهید مظلوم محمد حسین بهشتی تشکل حق است.

تشکلی که در وسط معرکه ی زمان مطرح است و حرفی برای گفتن دارد. تشکلی که همه جا برای آرمان و عقیده اش در حال نبرد است؛ بر منبرش، در دانشگاهش و در میدان مبارزات سیاسی و اجتماعی اش.

اگر وظیفه ی انسان تجلی خدا بودن روی زمین باشد و مسیر این تجلی از عبادت، کار و مبارزه ی اجتماعی عبور کند طبق آنچه که ما می اندیشیم اسلام کار و مبارزه ی اجتماعی را در چارچوب تشکیلات به رسمیت میشناسد. که مفهوم تشکیلات نیز در این زمانه ی میانجیه پرور مانند بسیاری از بنیان ها و بنیادها دچار بدعت های فراوان شده است. از این رو بر آن شدیم که چراغ تشکیلات اسلامی را پس از سال ها مجدداً در دانشگاهمان روشن کنیم و آنچه را که بر سر انقلابمان آوردند بازخوانی کنیم.

چراغ این خانه را بر افروختیم و بر سر درش نوشیم؛ ”دانشگاه سنگر آزاد است و این سنگر را تا پای جان حفظ خواهیم کرد.“ و در دل هایمان با یکدیگر پیمان بستیم؛ ”ما از سختی ها و مشکلات نمی هراسیم، ما راست قامتان جاودانه ی عرصه ی تاریخ خواهیم ماند.“

مسلم است که دانشجو دوست دارد بدون دغدغه و کشمکش های سیاسی به درس و تحصیل خود بپردازد اما به قول شادروان مهندس بازرگان وقتی که معصیان امور به وظایف خود عمل نکردند بلکه خلاف آن را انجام دادند همه کس مجبور است همه کاره شود و استعد دانشگاه هم به داد و فریاد سیاسی بپردازد.

لذا بر آن شدیم تا با انجام وظیفه ی الهی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حکام جامعه کژی های امت را برطرف کنیم و مفهوم ”امه وسطا“ را تحقق ببخشیم و در این مسیر به یاری شما دانشجویان جدیدالورود نیازمندیم تا این خانه ی پی سفت و دروازه را به یاری یکدیگر بسازیم به این امید که روزگاری سفتش به آسمان برسد و دیوارش قلمروی ”امه وسطا“ باشد و دروازه اش فراخنای بی منتهای اندیشه.

محمد مهدی رهجو (مجلسی)

مدیر مسئول نشریه ی آرمان

والسلام

”تشکل حق“

تشکل حق، تشکلی است که انحصار طلب نیست، یعنی این معطوق خودپرستانه و ضد خداپرستی را ندارد که هرکس توی این تشکیلات هست آدم خوبی است و هرکس توی این تشکیلات نیست آدم خوبی نیست. این تشکره شیطانی است و نه رحمانی و نه برهانی. بنا را بر این بگذارید که در تشکلها انحصارطلبیها و خودپسندیها راه پیدا نکند. در تشکلها پیمان مواظب نفس الشیطان که مزاحم بهره مندی از نفس الرحمان است باشید. اگر تشکیلات واقعا بنا بر این انتخاب اصلاحی، پناهر میدان دادن به افراد برای شکوفائی استعدادها باشد، تشکیلات زمینه ی رشد است و الا تشکیلات یک خطر دارد و آنکه یک انسان قالبی بسازد در تشکل در عین حفظ پیوند و ایجاد نظم آهنین، انسان ها باید بتوانند که آزاد بیندیشند، انتقاد کنند و تصمیم بگیرند، بلکه اجرای تصمیم اولی الامر همیمنطور که در کل جامعه منافاتی با آزادی ندارد، به شرط اینکه هیچ فرد و گروهی خودشان را به عنوان مدیران و رهبران در داخل تشکیلات تعمیم نکنند. اگر شما در داخل تشکیلاتتان خصلت ضدتحمیلی را حفظ کردید و رشد دادید آن وقت تشکیلات، تشکیلات رحمانی است والا شیطانی می شود. بدترین خصلتی که از شیطان در قرآن یاد می شود استکبار است. خود را بزرگتر تلقی کردن، خود بزرگ بینی که لازمه قدرت طلبی است. «شهید آیت الله دکتر بهشتی»